رفسنجانی باید از ملیون ایران معذرت بخواهد- توسلی

مهندس محمد توسلی، رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران: در دوره ریاست جمهوری رفسنجانی ۲۳ تن از ملیون ایران بدلیل نوشتن نامه خیرخواهانه توسط باند سعید امامی بازداشت و شکنجه شدند و آقای رفسنجانی میگوید من از این موضوع اطلاع ندارم!

اشاره: مهندس محمد توسلی در سال ۱۳۱۷ در شهر تهران متولد شد و در سال ۱۳۳۵ به دانشکده فنی دانشگاه تهران راه یافت و در سال ۱۳۴۰ در رشته راه و ساختمان مدرک فوق لیسانس گرفت، وی برای ادامه تحصیل به کشورهای آلمان و آمریکا رفت، در کشور آمریکا به درجه «MS» در رشته راه و ترافیک دست یافت و در کشور آلمان توانست تحصیلات خود را در رشته دکترای حمل و نقل و ترافیک تکمیل نماید.

توسلی زمانی که درسال ۱۳۴۶ برای تهیه تز دکترا به ایران آمد ممنوع الخروج شد و تا سال ۱۳۵۷ نتوانست به خارج از کشور باز گردد، از نظر شغلی وی در قبل از انقلاب ممنوع الاستخدام بود و فقط در بخش خصوصی در رشته تخصصی خود اشتغال داشت. توسلی در سال ۱۳۳۵ عضو انجمن اسلامی دانشجویان و عضو فعال جنبش دانشجویی دهه ۴۰ (جبهه ملی دوم) بود و در واقع فعالیت سیاسی- اجتماعی وی نیز از همان سالها آغاز شد، بعد از تشکیل نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰، توسلی به عضویت این تشکل درآمد، در خارج از کشور وی اولین نماینده دانشگاه تهران در سومین کنگره کنفدراسیون دانشجویی لوزان بود و پیام دانشجویان دانشگاه تهران را قرائت کرد.

توسلی، زمانی که در آلمان اقامت داشت برای تشکل دانشجویان مسلمان تلاش و همکاری نمود و ثمره آن تشکیل گروه فارسی زبان اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا و انتشار نشریه «مکتب مبارز» بود که تا پیروزی انقلاب نقش موثری در حرکت اسلامی در اروپا داشت، وی عضو انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا در سالهای اقامت خود در آمریکا بود، در سال ۱۳۴۴ که جمعی از دوستان توسلی در خارج از کشور تصمیم گرفتند که جنبش مسلحانه ای را سازماندهی کنند، وی به همراه دکتر چمران، دکتر ابراهیم یزدی و... به مصر رفت و آموزش های لازم را فرا گرفت و در بغداد مستقر گردید، توسلی اولین کسی است که تدارک استقبال از آیت الله خمینی را در بغداد، بهنگام انتقال وی از ترکیه به عراق انجام داد، وی از سال ۱۳۴۰ عضو انجمن اسلامی مهندسین می باشد.

در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ توسلی در فعالیت ها مشارکت داشت و مسئول تبلیغات ستاد راهپیمایی های تاسوعا و عاشورا و کمیته استقبال از خمینی و تا دو سال بعد از انقلاب شهردار تهران بود، وی در حال حاضر عضو شورای مرکزی و رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران است، توسلی اعتقاد دارد که در برنامه توسعه سیاسی باید آزادی، حاکمیت ملت، قانونمداری و حفظ کرامت و احترام انسانی در ایران نهادینه شود.

آقای توسلی: اگر موافق باشید اولین سئوال خود را به مصاحبه مطبوعاتی آقای رفسنجانی اختصاص می دهیم، همانطور که اطلاع دارید ایشان در مورد نهضت آزادی ایران مطالبی را ذکر کرد، بطور کلی نظر شما در مورد مصاحبه مطبوعاتی وی و اظهاراتی که پیرامون وضعیت نهضت آزادی کرد چیست؟

- مصاحبه مطبوعاتی آقای هاشمی رفسنجانی از چند منظر قابل بررسی است، آقای هاشمی به عنوان یکی از مسئولان اصلی عملکرد دو دهه بعداز انقلاب شاید برای اولین بار در مقابل سئوالات صریح خبرنگاران داخلی و خارجی قرار گرفت، اگر چه بسیاری از پاسخها کافی، قانع کننده و قابل قبول نبود اما، برای مخاطبین وسیع این مصاحبه مواضع و جایگاه آقای هاشمی را شفافتر نمود و از این بابت باید آن را مثبت ارزیابی کرد.

بخش وسیع این مصاحبه از صدا و سیما مانند مصوبه مجلس در خصوص تایید معافیت او از استعفای ریاست مجمع تشخیص مصلحت برای نامزدی انتخابات مجلس، از سوی بسیاری از صاحب نظران تبعیضی آشکار تلقی شد و از این که شورای نگهبان که مسئولیت نظارت بر عملکرد دستگاه های اجرایی را در دوره انتخابات برعهده دارد، مصوبه مجلس را تایید کرد و به صدا و سیما تذکری نداد یا واکنش منفی مردم روبرو شد، به نظر من اثرات منفی برنامزدی آقای هاشمی رفسنجانی در پی داشت، در مورد پاسخهای او به دو نمونه اشاره می کنم: در خصوص شرکت نهضت آزادی ایران در انتخابات گفت که «متکی به نامه امام به آقای محتشمی وزیر وقت کشور است» و درعین حال تصریح کردند «این مسئله هم بالاخره باید یک وقتی حل می شد.»

در مورد نامه منتسب به امام قبلا توضیح داده ام و تکرار نمی کنم و اخیرا نیز نهضت آزادی ایران به نامه آقای حمید انصاری پاسخ کاملی داده است، اما در مورد اظهارنظر اخیر وی که این مسئله باید یک وقتی حل می شد، توضیح نداده است که چرا تاکنون حل نشده و به علاوه چه شیوه ای برای حل آن مورد نظر است؟

ایشان تلویحا تایید می کنند که اگر صدور این نامه توسط امام قطعی باشد برای شرایط خاصی بوده و تاریخ مصرف آن گذشته است، مگر قانون اساسی این حق را به مقام رهبری داده است که راسا حقوق شهروندی خدادادی را از فرد یا جمعی آن هم برای همیشه سلب کنند؟

به علاوه آقای هاشمی در پاسخ خبرنگار دیگری در موردنامه سرگشاده جمعی از افراد با سابقه کشور به ایشان در سال ۱۳۶۹ که منجر به زندانی شدن جمعی از امضاءکنندگان و بازجویی توسط گروه سعید امامی و محکومیت تعدادی از آنان در دادگاه های انقلاب گردید گفتند: «اگر آن بازداشتها مربوط به آن نامه باشد، خطاست و باید رسیدگی می کردم ولی اگر مربوط به آن نبوده و آنها پرونده های دیگری داشته باشند پرونده باید سیرقانونی راطی می کرد، من هم یادم نیست که آن موقع به چه دلایلی آنها را گرفته بودند!»

براساس اخلاق اسلامی حمل بر صحت می کنم که ایشان واقعا سوابق را فراموش کرده اند و این پاسخ ربطی به غیرشفاف بودن پاسخهای مصاحبه ندارد، برای آگاهی ایشان مواردی را در اینجا یادآوری می کنم: در اردیبهشت ماه سال ۶۹ نامه ای به عنوان رییس جمهور (آقای هاشمی رفسنجانی) با امضای ۹۰ نفر از شخصیتهای ملی و ملی- مذهبی علاقه مند به سرنوشت ملک و مملکت منتشر گردید.

در آن نامه با اشاره به مشکلات موجود و مصائب مشهود و انعکاس نارضایتی های همگانی، از ایشان به عنوان رییس جمهور کشور خواسته شده بود با تامین حقوق و آزادیهای ملت آن طور که در قانون اساسی آمده است و شنیدن نظریات و خواسته های مردم راه را برای مشارکت عمومی در حل بحرانها و معضلات کشور باز نمایند.

مطالبات و درخواست امضاکنندگان بیانیه در پاراگراف پایانی نامه در واقع همان مطالبات ملت ایران در مبارزات یکصد سال اخیر بویژه مطالبات مردم در دوم خرداد سال ۷۶ و برنامه توسعه آقای خاتمی است، اما به جای توجه به تقاضای منطقی و مشروع عده ای از شخصیتها و شهروندان سالخورده و شناخته شده مملکت دستگاه های اجرایی زیرنظر آقای هاشمی، وزارت اطلاعات (گروه سعید امامی) هماهنگ با دادستانی انقلاب، ۲۳ تن از امضاکنندگان نامه را در خرداد ماه بازداشت کرده و در شرایط بسیار سختی مورد بازجویی قرار می دهند بسیاری از آنها بیش از ۶ ماه در سلول انفرادی نگهداری شده اند و زیرفشارهای جسمی و روحی شدید تعدادی از آنها مجبور به اعترافات خلاف میلشان و ضبط مصاحبه شدند و ۹ تن که پرونده آنها به دادگاه ارسال شد به ۶ ماه تا ۳ سال محکوم و در شرایط سخت اطاقهای دربسته نگهداری شدند.

آقای هاشمی که براساس اظهارات مقامات قضایی در جریان پرونده بوده اند در مصاحبه با خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند در مورد علت دستگیری امضاء کنندگان نامه سرگشاده گفتند: «سیاست جمهوری اسلامی این نیست که کسی را به خاطر اظهارنظر و مخالفت سیاسی تحت تعقیب قرار

بقیه در صفحه ۳۷

بولتن شماره ۲۲-شرکت پژوهشی پیام امروز

بازی طرد و حذف جناح ها در جمهوری اسلامی!

بخش ششم

آنها که در جناح اصلاح طلب قرار گرفته اند از فراموشی اکثریت مردم استفاده کرده چهره آزادیخواه و دمکرات بخود گرفته اند

آخرین نوشته پیروز دوانی که سرنوشت او را رقم زد

موسوی خوئینی ها که اینک در روزنامه سلام داد «قانون گرایی» سر می دهد، در دوران یکه تازی خود در مقام دادستان کل کشور به قاضی هایی که برای صدور حکم اعدام برای مخالفان سیاسی، روندی قانونی در پیش گرفته بودند، اعتراض می کرد و می گفت: «قضات ما زیادی قانونگرا هستند». عباس عبدی سردبیر سلام که اینک طرفدار آزادی و رفتار انسانی با زندانیان شده است، در همان زمانها که به پشتگرمی خمینی هر کاری می کردند، خشن ترین و زشت ترین برخوردها را با سازمانهای مخالف حکومت و حتی افرادی که به اتهام رابطه با امریکا دستگیر شده بودند انجام می داد. و اینک در مصاحبه های خود تاکید می کند که اگر اصلاحات در جامعه صورت نپذیرد، این نظام بیش از دو سال بقا و دوام نخواهد یافت و در واقع برای جلوگیری از فروپاشی نظام استبدادی دینی، خواستار تن دادن به اصلاحات است. بهزاد نبوی فالانژ و یکی از برپا دهندگان اصلی منافع ملی ایران در قرارداد الجزایر با امریکا، از نخبگان سرکوبگر حکومت بود. دفتر تحکیم وحدت که اینک بر مسئله حقوق و آزادیهای دانشجویان مانور سیاسی می دهد، نقش بازوی اطلاعات و سرکوب را در دانشگاه ها ایفا می کردند و چنان جو سنگینی در محیط های دانشجویی بوجود آورده بودند که به «دفتر تحکیم وحشت» لقب گرفتند. و از عوامل اصلی تعطیلی چند ساله دانشگاهها و اخراج صدها دانشجو و استاد از دانشگاه ها بود. افراد وابسته به دفتر تحکیم وحدت حتی افرادی مانند «طبرزدی» که اینک از دفتر تحکیم وحدت جدا شده و عوامفریبانه از خود چهره مخالف استبداد نشان میدهد، در دوران قدرتمند خود برای شناسایی، اخراج، دستگیری دانشجویان مخالف سنگ تمام می گذاشتند. برخی افراد مانند محسن سازگارا از رهبران و نویسندگان اساسنامه سپاه، اکبر گنجی از مسئولین سابق دایره ایدئولوژیک سپاه، افرادی از «اطلاعات سپاه»، شمس الواعظین از اعضای سابق جنبش ارتجاعی امل در لبنان و از فرماندهان اولیه نیروهای داوطلب سپاه که هم اکنون می نویسد که «س» سپاه را با هیچ چیز عوض نمی کند و برای حفظ نظام هر کاری انجام می دهد، جلایی پور دبیر شورای امنیت کردستان در دوران قتل عام مردم کردستان، که سالها به عنوان عناصری از این جناح فعالیت و سیاست سرکوب فاشیستی مخالفان و مبارزان را تدوین و اجرا می کردند. چه آنان که خود را هنوز در این جناح می دانند و چه کسانی که به جناح راست مدرن پیوسته اند، اینک خود را به «فراموشی» زده اند و از «فراموشی» اکثریت مردم و نیروهای مبارز سوءاستفاده کرده، چهره «آزادیخواه و دمکرات»، «مدرن» و طرفدار «فضای باز» از خود ارائه می دهند. در هر صورت در زمان حاکمیت این جناح در سه دوره مجلس، قانون مترقی و دمکراتیکی به تصویب نرسید. قانون مافوق ارتجاعی «مجازات اسلامی»، قانون تشکیل وزارت اطلاعات، قوانین ارتجاعی مربوط به حقوق مدنی و خانواده، ... در دوره تسلط این جناح بر مجلس و دوران ریاست مجلس مهدی کروبی از تصویب گذشت. خلخالی که هر روز گروه گروه انسان و از جمله مبارزین چپ در ترکمن صحرا و کردستان را قتل عام می کرد، هادی غفاری فالانژ که با اسلحه و نارنجک با دیگران بحث سیاسی می کرد، محتشمی تروریست که در مقام سفیر ایران گروههای ارتجاعی تروریست ایرانی و عربی را تغذیه می کرد و اینک مشاور اجتماعی رئیس جمهور خاتمی شده است، حسن صانعی رئیس بنیاد ۱۵ خرداد که تنها هنرش افزایش جایزه نقدی برای قتل سلمان رشدی است و شیخ انصاری رئیس دفتر خمینی،... از جمله دیگر عناصر برجسته این جناح هستند که اینک آزادیخواه و طرفدار حقوق ملت و جامعه مدنی شده اند. بدیهی است که می توان اصل تغییر دیدگاه و منش افراد را در پروسه تکامل مبارزه پذیرفت، اما نه برای این افراد و سازمانهایی که هنوز به گذشته خود افتخار می کنند و تاکنون خود را به نقد نکشیده و حتی انتقادی ملایم نسبت به عملکردها و دیدگاه های فاشیستی گذشته خود نکرده اند. قبل از انتخابات دوم خرداد، مجموعه «ائتلاف خط امام»، به شدت از حکومتی که در آن زمان عمدتا در اختیار جناح رقیب آنها بود، انتقاد می کرد. اما پس از انتخابات، ماسکها برداشته شد. در روزنامه «سلام» از کمترین انتقادی نسبت به حکومتی که اینک در آن سهیم شده خبری نیست. رگه های فالانژی و فاشیستی «مجاهدین انقلاب اسلامی» بیش از پیش تقویت شده و جلوه می کند و مواضع خصمانه آنها علیه «مخالفان قانونگرا» (چه رسد به اپوزیسیون دشمن و غیر متلزم به قانون) تشدید شده است. ازدیدگاه این نیروها، اپوزیسیون و نیروهای دگراندیش نقش تزئینی در جامعه دارند. این نیروها در زمانیکه عمده ترین اهرم های قدرت در اختیار جناح رقیب بود، و در زمانی که در انتخابات، در آستانه تبدیل شدن به نیرویی مغلوب بودند، به فکر چاره جویی می افتند و هراسان از شکست و موقعیت آینده خود، برای گرم کردن میدان و سوءاستفاده از اپوزیسیون برای طلب پشتوانه به سود خود و علیه رقیب حکومتی، برخی از نیروهای مخالف قانونگرا را آن هم در زمانی که از ضعف و ناتوانی آنها مطمئن باشند، به حضور در جامعه و حتی شرکت در انتخابات دعوت می کنند. اما وقتی به نیرویی غالب تبدیل می شوند، همه شعارهای «آزادیخواهی» را فراموش کرده و در جهت تحمیل قدرت و نظر خود به دیگران عمل می کنند و این راستا همه جناحها را با توسل به شیوه «سرکوب قانونی» مخالفان دعوت می کنند و نه قطع سرکوب. زیرا آنها اعتقاد دارند که سرکوب این نیروها در شرایط کنونی نه بوسیله گروههای فشار اوباش بلکه به شیوه قانونی و با اتکاء به قوانین ضد دمکراتیک کنونی از طریق مراجع قضائی صوت پذیرد. کلیه حرکتهای ضد مردمی و ضد دمکراتیک این جناح با تغذیه فکری و پشتوانه عملی از جانب خمینی و با هدایت وی صورت می گرفت و از این روست که اینک نیز همانند گذشته خود را «پیرو خط امام» می دانند. در حالی که فاجعه اصلی و مصیبت بزرگ برای میهن ما، از همین

پیروز دوانی

خط امام آغاز شد و تداوم یافت. در واقع این جناح در دوران تسلط خود در حکومت و به یاری خمینی، مبتکر و طراح و مداح شعار «ولایت مطلقه فقیه» بود، که با درخواستهای مکرر دولت موسوی، نخست وزیر دوران جنگ و بدبختی، و دیگر خط امامی ها از سوی خمینی، مطرح و تئوریزه شد و این خط امامی ها از این شعار برای مقابله با جناح مخالف خود بهره ها بردند وسالها بعد جناح راست افراطی و بازار با همین سلاح «ولایت مطلقه فقیه» و ذوب در ولایت برای طرد و حذف «خط امامی ها» به میدان آمد. این جناح به طیف «چپ» حکومتی موسوم شده است. درون این جناح، بخشهای گوناگون و اختلافات سیاسی و دیدگاهی وجود دارد. به غیر از گردانندگان مجله «راه نو» و امثال اکبر گنجی و علوی تبار، که خود را «چپ مدرن» می دانند، دیگر نیروهای وابسته به این جناح، به بخش موسوم به «چپ سنتی» تعلق دارند. در همین بخش نیز میان مجمع روحانیون مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی دربرخی زمینه های مهم اختلاف وجود دارد و حتی درون مجمع روحانیون مبارز نیز گرایشات تندرو و ملایم حضور دارند.

«جناح تکنوکراتها و به اصطلاح «میانه روها»ی حکومتی به رهبری هشمی رفسنجانی با خصلت شدیدا پراگماتیستی و قدرت طلبانه پس از فوت خمینی در پیوند و اتحاد با جناح راست افراطی علیه «خط امامی ها» اقدام کرد و به طرد و حذف این جناح از دایره اصلی قدرت حکومتی موفق شد. سالها بعد به ویژه در دوران انتخابات پنجمین دوره مجلس و هفتمین دوره ریاست جمهوری که خطر جدی حذف کامل خود و جریانش از دایره اصلی قدرت، از جانب راست افراطی و بازار را احساس کرد، به هماهنگی و وحدت عمل با جناح «خط امامی ها» و این بار علیه جناح راست افراطی دست زد. رفسنجانی که خود را ماورای جناحها نشان می دهد با تصرف مقام ریاست مجمع تشخیص مصلحت به عنوان مقام کلیدی در تعیین سیاستگزاریهای اصلی نظام و کنترل قوای سه گانه و نهادهای مختلف حکومت، و با انجام مانورهای زیرکانه هم در میان جناح های گوناگون درون حکومت و هم میان نیروهایی مخالف حکومت ولی داخل نظام و ملتزم به قانون، تلاش می کند آینده قدرت کامل در جمهوری اسلامی را به نام خود رقم زند. یاران خط رفسنجانی در حزب «کارگزاران سازندگی» متشکل شده اند. هاشمی رفسنجانی با تحکیم شورای تشخیص مصلحت و گسترش وظایف آن و ایجاد کمیسیونهایی برای تعیین و تدوین سیاستهای اصلی نظام در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، سیاست خارجی و.. بیش از پیش به عنوان کانون اصلی قدرت آشکار می شود. رفسنجانی با قدرت مانور و انعطاف پذیری زیاد توانسته اهرمهای قدرت زیادی را در مجموعه حاکمیت و در سطوح بالا در اختیار خود بگیرد. از این رو جناح راست سنتی که رفسنجانی و کارگزاران سازندگی را رقیب اصلی و پر قدرت خود و از حامیان اصلی خاتمی در حکومت می داند، فشارهای خود علیه آنها و به قصد حذف چهره های شاخص کارگزاران سازندگی از دولت را افزایش داده است. با تشدید اختلافات درون حکومتی و گسترش بحران عمیق و همه جانبه در جامعه، کانون قدرت بیش از پیش در مجمع تشخیص مصلحت و رئیس آن متمرکز می شود و آینده قدرت کامل به شکل روزافزون و بیش از پیش به نام هاشمی رفسنجانی رقم خواهد خورد.

در شرایط کنونی جناح های «ائتلاف خط امام» و «کارگزاران سازندگی» خواهان اجرا و رعایت قانون اساسی و رعایت نسبی حقوق ملت مصرحه در قانون اساسی می باشند. ولایت فقیه را مقید به قانون اساسی می دانند. مخالف سرکوب فیزیکی نیروهایی هستند که بخواهند با التزام به قانون فعالیت کنند. جناح «راست سنتی» (به ویژه بخش تندرو و افراطی آن)، به همراه جناح تندرو و سخت اندیش افراطی (که در روزنامه کیهان و نشریه صبح متشکل شده اند)، موافق سرکوب کامل دگراندیشان، مخالف تامین آزادیهای سیاسی حتی در چارچوب قانون اساسی است. خواهان تحکیم سلطه دیکتاتوری مذهبی و طرفدار مقابله خشن با جلوه های فرهنگ تجدد و خواهان حفظ روابط اجتماعی و فرهنگی سنتی مذهبی است. براصل ولایت مطلقه فقیه تاکید دارد و خواهان اجرای بی کم و کاست شعائر دینی و اتکا به فقه سنتی است. طرح این طیف تبدیل همین جمهوری اسلامی به حکومت خلافتی اسلامی و ایجاد «جامعه ولایی» است. در شرایط کنونی، اکثریت اعضای کابینه دولت، اقلیت پر قدرتی از نمایندگان مجلس، نیمی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت در اختیار «ائتلاف خط امام» و «کارگزاران سازندگی» است. اما اکثریت نسبی نمایندگان مجلس، نصف اعضای مجمع تشخیص مصلحت، ریاست قوه قضائیه و پست ها و مقامهای کلیدی در این قوه، هیات رئیسه کنونی مجلس، ریاست صدا و سیما، فرماندهان عالی سپاه و بسیج و نیروهای انتظامی، مدیر کل های کنونی وزارت اطلاعات و امنیت، بنیادهای پر قدرت مالی که زیر نفوذ و اختیار دولت نیستند، اکثریت امام جمعه ها، دفتر مقام رهبری و شخص ولی فقیه خامنه ای، در اختیار جناح راست افراطی قرار دارند.